



The Role and Status of Spirituality in the Moral Health of the Seminary Students

Hassan Roshan*, Mahdi Alizadeh**

Abstract

Moral health depends on the harmony and balance of internal and external traits and behaviors and indicates an attribute or a natural feature in the human soul that is the source of the doing good and evil acts by him, in a way that person with that attribute immediately does the act proper to that attribute. Spirituality is one of the factors and fields that shape and promote moral health. Spirituality, which is the process of finding meaning and giving meaning to the four relations of man with God, himself, the creatures, and other people to reach the system of monotheistic belief and practice, makes life purposeful. In clergies' lifestyle, identifying and organizing these four relationships leads to the formation and continuous improvement of their moral health. In the present study, using the descriptive-analytical method and data collection by documentary-library method, we have explained the role and position of spirituality on the clergies' moral health. The main question is what role does spirituality play in the moral health of clergies? The result of the research is that the spiritual components in the dimensions of insight, attitude, and action affect the formation and maintenance of clergies' moral health and help them effectively in the direction of professional life and fulfill their duties. Insight components include spiritual self-awareness; believing in the hereafter; Monotheism; having a positive attitude towards God; Tendency components include perfectionism; Tendency to virtues and vices; Hope and love for God; loving others; And nature-friendliness, and components of action including self-cultivation; Thanksgiving; Practical monotheism; And being respectful of others and nature.

Keywords

Spirituality, ethics, moral health, clergies' way of living, insights, tendencies, and actions.

*Ethic Researcher PhD holder in Quran, Health, and ygiene, Qom, Iran.
elmvaamal@yahoo.com

**Faculty Member of the Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.
alizadeh111@gmail.com

نقش و جایگاه معنویت در سلامت اخلاقی طلاب

حسن روشن*، مهدی علیزاده**

چکیده

سلامت اخلاقی در گرو تعادل و توازن صفات و رفتارهای درونی و بیرونی و نشانه صفت یا ملکه‌ای در نفس انسان است که منشأ صدور افعال خیر و شر از وی می‌شود؛ به طوری که صاحب آن صفت، بی‌درنگ کار متناسب و متناظر با آن را انجام می‌دهد. معنویت از عوامل و زمینه‌های شکل‌دهی و ارتقای بخشی به سلامت اخلاقی است. معنویت که فرآیند معنا بخشی به روابط چهارگانه انسان با خدا، خود، خلقت و خلق برای رسیدن به نظام باور و عمل یکپارچه توحیدی است، زندگی را هدفمند می‌سازد. در زیست‌طلبگی، هویت بخشی و سامان‌دهی به این روابط چهارگانه به شکل‌دهی و بهبود مستمر سلامت اخلاقی آنان منجر می‌شود. در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها به روش اسنادی-کتابخانه‌ای، به تبیین نقش و جایگاه معنویت بر سلامت اخلاقی طلاب پرداخته‌ایم. پرسش اصلی این است که معنویت چه نقشی در سلامت اخلاقی طلاب

* اخلاق‌پژوه و دانش‌آموخته دکتری قرآن، بهداشت و سلامت، قم، ایران.

elmvaamal@yahoo.com

** عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

alizadeh111@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴



ایفا می‌کند؟ نتیجه پژوهش این است که مؤلفه‌های معنوی در ابعاد بینشی، گرایشی و کنشی بر شکل‌گیری و استمرار سلامت اخلاقی طلاب تأثیر گزارند و طلبه را در پیش‌برد زندگی صنفی و انجام وظایف صنفی به‌شکل مؤثری یاری می‌کنند. مؤلفه‌های بینشی شامل خودآگاهی معنوی، فرجام‌باوری، باور توحیدی، حسن‌ظن به خدا هستند. مؤلفه‌های گرایشی شامل کمال‌جویی، گرایش به فضایل، امیدورزی و مهرورزی به خدا، دیگر دوستی و طبیعت‌دوستی هستند و مؤلفه‌های کنشی عبارت‌اند از: تزکیه نفس، شکرگزاری، توحید عملی و رفتار تکریم‌آمیز با دیگران و طبیعت.

کلیدواژه‌ها

معنویت، اخلاق، سلامت اخلاقی، زیست‌طلبگی، بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌ها.

مقدمه

معنویت از مسائل نوظهور است که تلقی‌های متفاوت مفهومی از آن موجب شده حتی در درون یک پارادایم واحد نیز توافق نهایی بر سر معنای آن شکل نگیرد. آندره‌هیل، در کتاب «زندگی معنوی»، معتقد است در حالی که از یک سو ناگزیریم از ابهام و انتزاع بسیار جلوگیری کنیم، از سوی دیگر، باید مانع ارائه تعاریف شتابزده شویم؛ چراکه هیچ واژه‌ای در زبان ما برای بیان واقعیت‌های معنوی مناسب و گویا نیست (Underhill, 1973).

بدیهی است نوع تعریفی که هر مکتب فکری از معنویت ارائه می‌کند، جهان‌بینی حاکم بر آن را نشان می‌دهد. برخی معنویت را نیروی توان‌بخش، انگیزاننده، الهام‌بخش و روح‌بخش زندگی تعریف کرده‌اند (Cavanagh, 1999; Mc Knight, 1984). برخی دیگر، آن را جستجوی مداوم برای یافتن معنا، هدف و فرجامی معین



دانسته‌اند (Cavanagh, 1999; Myers, 1990). طبق تعریفی کامل‌تر، معنویت یعنی تلاش برای ایجاد حساسیت درباره‌ی خویشتن، دیگران، نیروی برتر (خدا)، کوشش برای رسیدن به آنچه برای انسان شدن لازم است و جستجو برای رسیدن به انسانیت کامل (Hinnells, 1995).

با این حال، تعریف اخیر که شاید جامع‌ترین تعریف باشد، باز هم در حد مطلوب، مفهوم روشنی از معنویت به دست نداده و معیارها و راه‌های رسیدن به آن را بیان نکرده است. با بررسی آیات و روایات و مختصات دستگاه اندیشه‌ی اسلام می‌توانیم تعریفی ارائه کنیم که نه تنها وجوه چهارگانه‌ی ارتباطات انسانی را شامل شود، بلکه معیاری دقیق، مطمئن و برتر از دیگر معیارها به دست دهد تا در رسیدن به مسیر انسانیت، یاریگر انسان باشد.

معنویت در یک نگاه، معنابخشی به روابط چهارگانه‌ی انسان با خدا، خود، دیگران و طبیعت، برای رسیدن به نظام باور و عمل یکپارچه‌ی توحیدی است؛ به گونه‌ای که زندگی را هدفمند سازد. بر این اساس، کلیه‌ی بینش‌ها، گرایش‌ها (احساسات و عواطف) و کنش‌های ارادی و اختیاری انسان نیز بر مدار توحید و در راستای هدف نهایی آفرینش، یعنی عبودیت و قرب الهی، تنظیم می‌شوند. بدین ترتیب، منش و کنش اخلاقی از انسان سر می‌زند و در جامعه متبلور می‌شود.

موضوع علم اخلاق، صفات ارزشی و درونی و پایدار انسان و اعمال و رفتارهای اوست که این خصلت‌ها در سعادت یا تحول انسان اثر می‌گذارند. بنابراین، رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو، نمونه‌هایی از جلوه‌های بیرونی سلامت اخلاقی فرد محسوب می‌شوند.

سلامت در بیشتر استعمالات به معنی «جداشدن از هر نوع آفت درونی و بیرونی» و «بری شدن از عیوب» به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۲۱). در





متون دینی، تعبیری چون سالم ماندن از گناه، بدزبانی، بددستی، بدرفتاری، تعلق خاطر به دنیا و پیروی از امیال و هوای نفس به وجوه مختلف سلامت اخلاقی اشاره دارند. می توان گفت با تمسک به معیار توحید و تنظیم برنامه زندگی و ارتباطات چهارگانه، می توان به سلامت اخلاقی دست یافت.

پژوهش های درون دینی و برون دینی نشان می دهند بین سطح معنویت و رشد اخلاقی رابطه مستقیم برقرار است؛ برای مثال، در پژوهش های اخیر، نقش ارزش های اخلاقی در رشد معنویت سازمانی به اثبات رسیده است (صالحی ساداتی، فیاضی و پریشان، ۱۳۹۸، ص ۸۹).

حوزه علمی، مهم ترین مرکز تربیت کننده نیروهایی است که می توانند معیار و راهنمای مناسبی برای سلامت اخلاقی آحاد جامعه باشند؛ افرادی که در آینده ای نزدیک به عنوان مربیان جامعه به ایفای نقش خواهند پرداخت.

گرچه پیروی از منش اخلاقی و سلوک معنوی برای هر فرد مسلمانی ضروری است، برای طلبه علوم دینی، بخشی از هویت و موجودیت او به شمار می آید و پیوندی ناگسستنی با او دارد. نهادهای سازنده مؤلفه های معنویت در طلاب می تواند به بروز فعل اخلاقی منجر شود و سلامت اخلاقی آن ها را تضمین می کند.

این نوشتار می کوشد تأثیر معنویت را بر سلامت اخلاقی طلاب، بر اساس تعریف یادشده در سه بعد بینشی، گرایشی و کنشی ترسیم کند و این ضرورت را نشان دهد که طلاب، مبلغان و روحانیون باید در کنش های اجتماعی و فعالیت های خود، اخلاق صنفی را به خوبی رعایت کنند. این بدان معناست که به طور مشخص، از روحانیت انتظار می رود در این عرصه ها به اصول اخلاقی و مؤلفه های اخلاقی پایبند باشد: تبلیغ دین و خطابه، تدریس معارف و علوم دینی، دین پژوهی و مدیریت فرهنگی و امر امامت جمعه و جماعت.

طی سال‌های اخیر، مطالعات متعددی درباره اهمیت معنویت و ارتباط آن با دیگر متغیرها انجام شده است. تحقیقات بسیاری نشان داده است که توسل به معنویت سبب می‌شود بیمار، راحت‌تر با بیماری خود مواجه شود و از طرفی نیز موجب می‌شود با اطرافیان خود تعامل بهتری داشته باشد. واشیان (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان «بهداشت و سلامت معنوی از منظر قرآن» در قالب پنج فصل به بررسی مفاهیم بهداشت معنوی، بهداشت معنوی بر اساس روابط پنج‌گانه انسان، شاخص‌های بهداشت روحی و روانی و معنوی، تأثیر مزاج در سلامت روحی و روانی و معنوی و مراحل بهداشت و سلامت روحی و روانی و معنوی پرداخته است.

مرزبند و زکوی (۱۳۹۲) در مقاله «شاخص‌های سلامت معنوی از منظر آموزه‌های وحیانی» به این نتیجه رسیده‌اند که رویکردهای معاصر، معنای معقولی از سلامت معنوی ارائه نداده‌اند. اما رویکرد وحیانی، معقول‌ترین معنا را از آن به دست می‌دهد و چنین معنایی چیزی جز خداوند نیست. همچنین، در این پژوهش مشخص شد مؤلفه‌های سلامت معنوی عبارت‌اند از: مؤلفه‌های شناختی، احساسی، رفتاری و پیامدی. انسان معنوی، به دلیل برخورداری از حالات معنوی ویژه‌ای چون حب خداوند، دگر دوستی، توکل و شرح صدر، از سلامت جسمی و روانی بیشتری بهره می‌برد.

سام آرام و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «سلامت معنوی؛ چارچوب، محدوده و مؤلفه‌های مبتنی بر آموزه‌های اسلام»، مؤلفه‌های سلامت معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلام را چنین برشمرده‌اند: توکل و حسن ظن به خدا، ایمان و توجه به رضایت الهی، انگیزه و نیت خالص، شکرگزاری، تواضع و فروتنی، صبر، تقوا، عدالت، نماز، ذکر خدا، توبه، تفکر و تعقل، تفکر، شناخت نفس و اعتقاد درست به زندگی پس از مرگ.

استیو و همکاران (۱۹۹۵) در مقاله «مرور سلامت معنوی، تعریف، نقش و راهکارهای مداخله در ارتقای سلامت»، شناخت بعد معنوی را یکی از





مؤلفه‌های حیاتی سلامت انسان و موجب افزایش علاقه به آموزش معنویت می‌دانند. ارائه‌ی نمای کلی از چندین روش موفقیت‌آمیز مداخله که ممکن است سلامت معنوی را افزایش دهند و طرح روابط احتمالی بین مداخلات سلامت معنوی و نتایج بهداشتی، رفتاری، عاطفی و جسمی، از دیگر اهداف این مقاله مروری معرفی شده است.

کتاب و مقالات بالا به‌طور غیرمستقیم بر اهمیت توجه به معنویت در ابعاد مختلف سلامت انسان تأکید کرده‌اند. با این حال، سلامت اخلاقی در این مقالات، جایگاه برجسته‌ای ندارد و به‌طور خاص به این موضوع پرداخته نشده است. در این نوشتار درصددیم تأثیر معنویت بر سلامت اخلاقی را بر اساس روابط چهارگانه انسان در نظام معنابخشی به زندگی تبیین کنیم. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها به روش اسنادی-کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

مؤلفه‌های معنویت در ارتباط با سلامت اخلاقی

مؤلفه‌های معنویت را می‌توان در سه ساحت بینشی، گرایشی و کنشی و بر اساس روابط چهارگانه فرد با خود، خداوند، دیگران و طبیعت معرفی و تبیین کرد. در بعد بینش، با شناخت‌ها و معرفت‌ها مواجهیم که طیف وسیعی از شناخت خدا، شناخت جهان اطراف و آفریده‌های خداوند و شناخت انسان و جایگاه او را در بر می‌گیرد «گرایش» به معنی میل و رغبت آدمی به چیزی است و شامل ارزش‌ها، تمایلات و ترجیحات می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱۱: ص ۱۶۷۷۵).

منظور از کنش هر حرکت و رفتاری است که انسان از روی آگاهی و اختیار از خود بروز می‌دهد. در بیان نقش معنویت بر سلامت اخلاقی طلاب لازم است ابتدا از مؤلفه‌های بینشی آغاز کنیم، سپس به مؤلفه‌های گرایشی برسیم و در نهایت، مؤلفه‌های رفتاری را به‌منزله خروجی این فرآیند ارائه کنیم. هریک از این مؤلفه‌ها در چهار محور ارتباطی خود، خداوند، خلق و خلقت تبیین می‌شوند.

۱. مؤلفه‌های بینشی

طلاب علوم دینی که جایگاه اجتماعی و الزامات نقش، ایشان را در جایگاه پاسخگویی به پرسش‌های مؤمنان، شبهات و نقدهای دشمنان و کاوش‌گری‌های جوانان و تردیدها و ابهامات آن‌ها قرار می‌دهد، لازم است از بینشی مستحکم و قوی برخوردار باشند تا با فهم کامل و عمیق و با اطمینان و ایمان راسخ به معتقدات مذهبی خود، در مقام پاسخگویی به مطالبات فکری مؤمنان و جوانان و معاندان برآیند. مؤلفه‌های بینشی معنویت، نهال باور را در ژرفای جان ایشان ریشه‌دارتر و مستحکم‌تر می‌سازد.

از دیگر سو، شیطان و جنود او برای مؤمنان راستین و داعیان الی الله نقشه‌های پیچیده‌تری دارند و مجهزتر به میدان می‌آیند؛ به تعبیر رساتر، ابلیس و جنود او برای طلاب که نماد دین هستند و وظیفه هدایت و تربیت نفوس را برعهده دارند، بیشتر و به شکل خاص نقشه می‌کشند. از این رو دام‌ها و ترفندهای ایشان، سلامت اخلاقی طلاب را بیشتر تهدید می‌کند.

راه مقابله جدی با این خطر مهم در گام اول این است که اساسی‌ترین لایه و اولین عنصر تشخیص و تصمیم و اقدام، یعنی عنصر بینش و آگاهی، در برابر وسواس و مکائد شیطان مصونیت یابد. بی‌تردید منظومه معرفتی شخص و به تعبیر دیگر، نوع جهان‌بینی او در سوگیری اخلاقی وی تأثیر قاطع و تعیین‌کننده‌ای دارد.

اکنون به بینش‌های مهم و جهت‌بخش در چهار حوزه خود، خدا، دیگران و طبیعت می‌پردازیم. این مبحث، شرط لازم و نخستین سنگ بنای شکل‌گیری شخصیت اخلاقی طلبه و سلامت اخلاقی وی به شمار می‌رود.





یک) در ارتباط با خود

الف. خودآگاهی معنوی

هر انسانی نگرشی خاص دارد. برخی تمام نواقص خود را می‌پذیرند و برای ارتقای ابعاد وجودی خویش می‌کوشند و برخی دیگر، با این باور که آفرینششان پوچ و بی‌هدف بوده است و توان انجام کاری را ندارند، نگاهی مملو از یأس و بی‌معنایی را در زندگی برمی‌گزینند. این قبیل بینش‌ها، نظام ارزشی خاصی را برای انسان رقم می‌زنند و در پرتو نظام ارزش‌های پذیرفته‌شده، اعمال، کنش و رفتارهای خاصی از انسان سر می‌زند.

خودآگاهی معنوی همان باور فرد دربارهٔ خدا و جهان و ارزش‌ها و استانداردهای اخلاقی و مسائل زندگی، مانند بیماری و گرفتاری، بر اساس الگوهای معنوی دینی است. این خودآگاهی سبب می‌شود فرد با بقیهٔ افراد در ابعاد و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری تفاوت داشته باشد (احمدی فراز، ۱۳۹۵، ص ۴۷).

از دیدگاه قرآن، غفلت، عامل اصلی بحران هویت است؛ چراکه غفلت، شخص را از هدف نهایی خلقت خویش بازمی‌دارد و او را به سوی پوچی و بی‌هدفی یا اهدافی واهی و ناصحیح سوق می‌دهد. اصطلاح «خودفراموشی»، به منزلهٔ یکی از عوامل بحران هویت در قرآن آمده است و به دنبال آن، فراموشی خدا می‌آید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛ و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به خودفراموشی گرفتار کرد. آن‌ها فاسقان‌اند» (حشر، ۱۹).

ب. خودسازی و تهذیب نفس

آدمی با شناخت ابعاد وجودی و اطلاع از استعدادهای خود می‌تواند به شناسایی مقدمات ضروری تحقق آن استعدادها روی آورد و موانع تحقق آن‌ها را نیز بشناسد. پرورش خود نیز بدون اطلاع از استعدادهای خود و نیازها و موانع فعلیت یافتن

استعدادها امکان‌پذیر نیست. این استدلال با روایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ اثبات می‌شود که می‌فرماید:

«مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ جَاهَدَهَا، مَنْ جَهَلَ نَفْسَهُ أَهْمَلَهَا؛ هر که نفس خود را شناخت، به جهاد با آن برخاست و هر که آن را نشناخت، به حال خود رهایش ساخت» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۱، ص ۷۸۵۵-۷۸۵۶).

بنابراین، خودشناسی به خودسازی و تهذیب نفس منجر می‌شود.

یک طلبه همان‌طور که باید به شناخت خود و راه‌های تزکیه نفس خویش از آلودگی‌ها همت گمارد، باید خود را عضوی از صنف روحانیت ببیند و برای انجام وظیفه در این صنف اجتماعی آماده باشد؛ بدین ترتیب، باید دو آرمان را به موازات هم دنبال کند: آرمان فردی و آرمان صنفی.

بنابراین، لازم است در کنار برنامه‌ریزی برای شناخت استعدادها و ظرفیت‌های خویش و مشخص کردن راه‌های به‌کارگیری آنها، برای شناخت هویت صنفی خویش نیز برنامه‌ریزی و آینده‌نگری کند. بی‌شک، طلبه در پی پاسخ به نیازی از نیازهای وجودی خویش و جامعه قدم در راه طلبگی گذاشته است و شناخت صحیح این نیازها گام اول در خودشناسی و آگاهی از هویت صنفی محسوب می‌شود.

آگاهی طلبه از خود در درجه اول به‌عنوان یک انسان و در درجه دوم به‌عنوان یک طلبه علوم دینی، متوقف بر کوشش وی برای بهره‌گیری از نیرو، استعداد، فرصت و امکان خود در زمینه‌های مختلف است. تزکیه نفس، در پرتو فضل و عنایت ویژه الهی نیز محقق می‌شود؛ از این رو خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، زنهار پیروی شیطان مکنید، که هر کس قدم به‌قدم از پی شیطان رفت، او به کار زشت منکر وامی‌دارد و



اگر فضل و رحمت خدا شامل شما نبود، احدی از شما (از گناه و زشتی) پاک و پاکیزه نشدی. لیکن خدا هر کس را می‌خواهد منزّه و پاک می‌گرداند و خدا شنوا و داناست» (نور، ۲۱).

د. فرجام‌باوری

توجه به مقصد حقیقی انسان و فرجام آفرینش، گامی دیگر در جهت تزکیه نفس محسوب می‌شود. در آیات و روایات به مسلمانان، بلکه به تمام انسان‌ها توصیه شده علاوه بر اینکه از زمان حال نهایت استفاده را ببرند، به فکر آینده خود نیز باشند و توشه‌ای مناسب برای زندگی آینده مهیا کنند. اعتقاد به این اصل، نقش مهمی در رفتار مسلمانان و میل آنان به نیکوکاری و دوری از کارهای ناشایست دارد. این آینده‌نگری هم می‌تواند آینده‌نگری دنیوی باشد و هم آینده‌نگری اخروی (برای سرای آخرت). بدین ترتیب که طلبه باید از هم‌اکنون برای زندگی خود برنامه‌ریزی کند و اهدافی را که قرار است به آن‌ها برسد تعیین کند و در مرحله بعد، برای رسیدن به آن اهداف نهایت سعی و تلاش خود را به کار بیند.

دو) در ارتباط با خدا

الف. باور توحیدی

شناخت خدا موجب شکل‌گیری باور و ایمان به وجودی یگانه و قدرمندتر از دیگر قدرت‌هاست. در بینش توحیدی، فرد علاوه بر اذعان به واقعیات فراوان خارج از ذهن خود، اعتقاد دارد که آن‌ها را ادراک می‌کند و بعضی از ادراکاتش مطابق با واقع است و بعضی از آن‌ها خطاست؛ لذا بینش توحیدی، علاوه بر ادراک حس و تجربه، به استدلال و تفکر منطقی، اهمیت فراوان می‌دهد و از نیروی منطق و فلسفه و علم حمایت می‌کند و نیروی فکر و استدلال را پشتوانه بینش توحیدی قرار داده است.



باور توحیدی باعث ایجاد معنا در زندگی می‌شود؛ چون هر جهان‌بینی به انسان هدفی می‌دهد و انسان در پرتو آن، آرمان‌سازی و شوق‌انگیزی می‌کند و در قبال آن آرمان‌ها، برای خود تعهد و مسئولیت تعریف می‌کند. این برهان و استدلال، افکار باطل را از زندگی دور و انسان را با واقعیت و یقین آشنا می‌سازد. بعضی دیگر از نتایج بینش توحیدی، زدودن بیم و اندوه، طمأنینه قلبی (رعد، ۲۸) و افزایش ایمان است (فتح، ۴).

باور توحیدی در روایتی از امام صادق علیه السلام این گونه تبیین شده است:

«توحید یعنی آنچه بر تو رواست، بر پروردگارت جایز ندانی و عدل یعنی کارهایی که خداوند تو را بر ارتکاب آن‌ها سرزنش کرده است، به او نسبت ندهی» (ابن بابویه، ۱۳۹۴، ص ۹۶).

توحید در ربوبیت و توحید خالقیت، دو قسم توحید افعالی هستند که باور به آن‌ها، نتیجه اخلاقی مهمی دارد. توحید در خالقیت، نزدیک‌ترین ارتباط را با اخلاق دارد؛ بر اساس این قسم از توحید، خداوند هر چیزی را نیکو آفریده است. بنابراین، افعال انسان از جنبه تکوینی، مخلوق خداوند هستند، اما از این نظر که از روی اختیار و اراده آگاهانه انسان سر می‌زنند، منتسب به انسان و متصف به حسن و قبح می‌شوند. لذا افعال قبیح، به خداوند منتسب نمی‌شوند. همچنین، اگرچه خداوند قدرت و اختیار انجام امور نیک و بد را به انسان داده است، ولی با بشارت و انذار و وعده پاداش و وعید عذاب، انسان را متذکر و متنبه ساخته است تا مسیر نیکو را برگزیند و به سوی شرور نرود (نساء، ۷۹).

در نگرش معنوی، ما مالک هیچ چیز نیستیم و وظیفه ما در این عالم، سعی و کوشش در حد توان و وسع خود برای بهره‌مندی از نعمات دنیوی و سپردن نتیجه امور به خداوند است. حتی آنچه ما از تلاش و رنج خویش به دست می‌آوریم نیز متعلق به خدا و «داده خداست».





ج. حسن ظن به خدا

بدیهی است باور توحیدی، حسن ظن به خداوند و کائنات را به همراه دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «آنان که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، به رحمت خدا امیدوارند. خداوند آمرزندهٔ مهربان است» (بقره، ۲۱۸). علاوه بر این، خداوند به صراحت فرموده است: «بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید، از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همهٔ گناهان را می‌آمرزد که او آمرزندهٔ مهربان است» (زمر، ۵۳).

نه تنها در روایات، بلکه از نظر روان‌شناختی نیز قابل ادراک است که کسی که به خدا اعتماد نداشته باشد و به نزدیک‌بودن او به بنده و حمایت او از بنده‌اش امیدوار نباشد و به اصطلاح روان‌شناسان، به خداوند دل‌بستگی نایمن اجتنابی داشته باشد، از نظر روانی آمادگی ندارد که رحمت و کرامت خدا را درک کند و از آن لذت ببرد. چنین فردی با این طرح‌وارهٔ ناکارآمد معنوی نمی‌تواند خود را به مبدأ هستی و به باری تعالی متصل سازد.

وقتی این رابطه گسسته شد، فرد اعتماد خود را به خدا از دست می‌دهد و نمی‌تواند به خدا توکل کند و امور را به او بسپارد و حتی اگر وانمود کند که به خدا توکل کرده است، دلش آرام نمی‌شود؛ زیرا جلوه‌های اشراقی و الهامات به قلب او وارد نمی‌شود و نوعی خلأ در وجودش ایجاد می‌شود. البته ممکن است این بی‌اعتمادی را به زبان نیاورد؛ چون شاید فکر کند که گناه است و سعی کند خودش را آرام کند که می‌توانم توکل کنم.

توکل بر خدا، نیروی محرکه‌ای در زندگی طلبگی محسوب می‌شود. خداوند تضمین کرده است که از متوکلان حمایت بی‌دریغ می‌کند، امور زندگانی ایشان را به نحو احسن مدیریت و تنظیم می‌کند و اجازه نمی‌دهد اضطراب و آشفتگی در روند زندگی ایشان خللی ایجاد کند (طلاق، ۳). این مسئله به این معنی نیست که طلبه صرفاً به عبادت و شب‌زنده‌داری مشغول باشد و از تأمین روزی و کسب حلال

غافل بماند. اما طبق دیگر آموزه‌های دینی، خداوند از طریق اسباب خود روزی می‌رساند و اسباب این روزی، کسب حلال و توصیه به آن است. کسی که عمر خود را در راه تحصیل علوم دینی و سپس، در راه انذار و تبلیغ و ارشاد مردم صرف می‌کند، در حالی که تقوای الهی پیشه کرده است، خداوند از جایی که گمان نمی‌برد روزی‌اش را می‌رساند؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وَيُزُقُّهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ (طلاق، ۳).

سه) در ارتباط با خلق

الف. خانواده‌مداری

اولین نهادی که فرد، برقراری ارتباط را در آن می‌آموزد و محل ارتقای سلامت معنوی انسان محسوب می‌شود، خانواده است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، شناخت خانواده و جایگاه آن، یکی دیگر از ابعاد بینشی معنویت اسلامی محسوب می‌شود. بدیهی است انسان در نهاد خانواده، اولین حمایت‌های عاطفی، مالی، بینشی و ارزشی را کسب می‌کند و هرچه شناخت انسان از جایگاه خانواده در اسلام کامل‌تر باشد، اتکای وی به این نهاد مقدس و تلاش برای حفظ و ارتقای آن افزون‌تر می‌گردد. این شناخت، قوی‌ترین انگیزه را به طلاب می‌دهد تا برای اصلاح روابط خود با خانواده و درامان نگه‌داشتن خانواده از آسیب‌های اخلاقی بکوشند.

ب. باورمندی به ارتباطات اجتماعی (اجتماع‌باوری)

خداوند متعال، انسان را موجودی علاقه‌مند به اجتماع آفریده و بر حفظ پیوندهای اجتماعی و معاشرت با نیکان و دیدار دوستان و همسایگان تأکید کرده است (رعد، ۲۱). حکم کلی ارتباطات اجتماعی برای مسلمانان این گونه بیان شده است: حفظ و عملی ساختن تمام پیوندهای دینی که خداوند به آن‌ها امر فرموده است. بدیهی است





شناخت همسایگان و دوستان و دیدار با آنها، یکی از مصادیق بارز این حکم است و از جمله حقوق آنان محسوب می‌شود. بسیاری از انسان‌ها در اثر بی‌توجهی به احکام شریعت و معارف دینی، آگاهانه یا ناخودآگاه تحت‌تأثیر دوستان و معاشران خود قرار می‌گیرند (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۳۰)؛ به همین سبب، خداوند متعال در توصیف روز قیامت، از حسرت خوردن چنین افرادی سخن گفته است (فرقان، ۲۷-۲۹).

طلاب به دلیل حساسیت مسئولیتی که بر دوش دارند، بیش از هر قشر دیگری نیازمند آگاهی از آداب و ضوابط معاشرت‌های اجتماعی و عمل به آنها هستند. یکی از این قسم معاشرت‌ها، همسایه‌داری است که در قرآن کریم (نساء، ۳۶) و به‌ویژه در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام توجه بسیاری به آن شده است. در روایتی آمده است: «به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرض کردند:

”یا رسول‌الله آیا در مال و دارایی انسان غیر از زکات حق دیگری هم هست؟“ فرمود: ”بلی، نیکی به بستگان، وقتی پشت کنند (قطع رحم کنند) و نیکی به همسایه مسلمان. پس، هر کس شب با شکم سیر بخوابد، در حالی که همسایه مسلمانش گرسنه سر به بالین نهد، به من ایمان نیاورده است.“ سپس فرمود: ”جبرئیل پیوسته مرا درباره همسایگان توصیه می‌کرد؛ به طوری که گمان بردم برای آنها ارث مقرر خواهد کرد“ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ص ۱۵۱).

چهار) در ارتباط با طبیعت

الف. بارو به هدفمندی و معناداری طبیعت

یکی از ابعاد بینشی طبیعت در قرآن کریم و احادیث، شناخت هدفمندی و معناداری آن است. از دیدگاه قرآن کریم، منشأ معناداری و هدفمندی طبیعت در موارد زیر است: طبیعت، مخلوق و آفریده خداوند است (انعام، ۱)؛ بر اساس حق آفریده شده است (انعام، ۷۳)؛ موجودی منسجم و سامان‌مند است که همه اجزای آن به‌اندازه

خلق شده‌اند و هیچ نقص و فتوری در آن‌ها راه ندارد (ملک، ۳)؛ به‌سوی هدف خاصی رهسپار است (یس، ۴۰)؛ تجلی و مظهر اسما و صفات خداوند است و خداوند در آینه طبیعت خود را نشان می‌دهد (بقره، ۱۶۴).

در معنویت اسلامی، طبیعت به‌مثابه امری ذی‌شعور و جلوه‌ای از قدرت و شکوه پروردگار، همواره به تسبیح خدای متعال مشغول است (جمعه، ۱؛ اسراء، ۴۴)، لذا ماهیتی روحانی و مقدس دارد. قرآن کریم در بیش از ۷۵۰ آیه، با اشاره به ظواهر طبیعت و ابعاد گوناگون و زیبایی‌های آن، ما را به مطالعه کتاب طبیعت و پندآموزی از آن راهنمایی می‌کند. عبرت‌آموزی، یک مؤلفه اخلاقی برای انسان، به‌طور عام و برای طلاب، به‌طور خاص است. ارتباط با طبیعت زمینه شکل‌گیری سلامت اخلاق اجتماعی را در مواجهه با محیط پیرامونی برای طلاب فراهم می‌کند.

۲. مؤلفه‌های گرایشی

امیال، سائق‌های پر قدرتی هستند که نیروی اصلی زندگی انسان را تأمین می‌کنند، طلب و خواست انسان را شکل می‌دهند و او را در کسب مطلوب خود به هر سویی می‌کشاند و به هر کاری وامی‌دارند؛ میل به بقا، میل به قدرتمند شدن، میل به تملک، میل به تسلط بر دیگران، میل به جنس مخالف و اطفای شهوت، میل به تکثیر نسل و فرزندآوری، میل به خلود، میل به ریاست و فرماندهی و فرمانروایی، میل به تحسین و ستایش شدن، میل به شهرت و دیده‌شدن و... در واقع، تکاپوهای انسان جملگی معطوف به پاسخگویی و ارضای یک یا چند مورد از این امیال است. این گرایش‌ها و سائق‌ها یکی از بهترین کمین‌گاه‌های شیطان هستند برای اینکه مؤمن را از پای درآورد.

همان گونه که پیش‌تر گفتیم، ابلیس و جنود او به صنف روحانیت و داعیان الهی الله اهتمام خاصی دارند. شیطان تلاش می‌کند از یکی از این راه‌ها، روحانیان و مبلغان و پیام‌آوران دین را از انجام درست رسالت الهی خود بازدارد یا منحرف



سازد: به امیال حیوانی آنان ایشان دامن می‌زند، امیال و کشش‌های روحانی و معنوی را در ایشان تضعیف می‌کند، امیال الهی و سائق‌های معنوی را تحریف می‌کند، انگیزش‌های مقدس را در ایشان مشوب به شرک و ریا می‌سازد، امیال پست را در چشم ایشان مطلوب و زیبا جلوه می‌دهد و....

در واقع، طلاب در مقام مربیان معنوی و هادیان دینی لازم است پیش و بیش از دیگران، به تأدیبات امیال و تعلیم و رام‌ساختن کشش‌ها و جهت‌دهی به انگیزش‌های خود پردازند؛ زیرا در غیر این صورت، هرگز به شخصیت معنوی و سلامت اخلاقی دست نخواهند یافت. در ادامه، درباره‌ی اهتمام به گرایش‌های والای انسانی و کشش‌های مطلوب در چهار حوزه‌ی رابطه با خود، خداوند، دیگران و محیط که توجه بدان‌ها بیش از بقیه برای طلاب و مبلغان و هادیان دینی لازم است، سخن می‌گوییم.

یک) در ارتباط با خود

الف. خویشتن‌دوستی

یکی از گرایش‌های فطری انسان، دوست‌داشتن خویش است که از آن با عنوان «حب ذات» تعبیر شده است. این انگیزه باعث می‌شود انسان برای اهداف و ارتقای خویش به کار و کوشش پردازد و به تکامل و سعادت دست یابد. مشکل از آنجا آغاز می‌شود که حب ذات در مسیری غلط هدایت شود و به سمت خودخواهی و خود برترینی و کبر سوق یابد.

انسان ذات خود را دوست دارد؛ از این رو، آنچه در بقای ذات او و کمالش مؤثر است، دوست می‌دارد. پس، اگر انسان دریافت که موجودی ورای خودش وجود دارد که ممدّ حیات اوست، بلکه حیاتش وابسته به حیات آن موجود برتر است و هر چیزی که به او می‌رسد از ناحیه‌ی اوست، فطرتاً و طبیعتاً به سوی او می‌گراید و طالب او می‌شود و هر چه معرفتش به او بیشتر شود، محبتش نیز به او افزون‌تر می‌شود.



بنابراین، انسان برای خدادوستی و محبت خداوند باید به یک مرحله قبل، یعنی دوست داشتن خود و ارزشمند دانستن وجود خود، رجوع کند. تبیین جایگاه ارزشمند برای انسان در قرآن کریم و روایات و لزوم دوست داشتن خود (نه به نحو خودستایی و غرور) موجب می شود انسان بکوشد از انسانیت خود صیانت کند و آن را به راحتی در اختیار خواهش های نفسانی قرار ندهد. انسانی که می داند گل سرسبد آفرینش محسوب می شود، خود را به راحتی اسیر وسوسه شیطان و هوای نفس نمی کند، آفرینش خود را پوچ نمی پندارد، با ایمان و عمل صالح می کوشد وجود خود را به عنوان امانتی ارزشمند محافظت کند و آن را در مسیر عبودیت قرار دهد.

ب. گرایش به فضایل و ترک رذایل

از دیدگاه امام علی علیه السلام، باور داشتن به شخصیت و کرامت انسانی موجب می شود فرد، اصول اخلاقی را پاس بدارد و از ناپسندی ها دوری کند. گناه، اوج تحقیر روح بلند انسانی است؛ روحی که به امور پست و حقیر دل خوش کرده و در منجلاب ناپاکی ها دست و پا می زند: «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته؛ کسی که شخصیت خود را گرامی بدارد، شهوات (و ناپسندی ها) را خوار خواهد شمرد (نهج البلاغه، ح ۴۴۱).

جامعه مطلوب انسانی از منظر قرآن کریم و احادیث، با فضیلت ها پیوند عمیق و ناگسستگی دارد، نه با رذیلت ها. بنابراین، خودسازی حقیقی زمانی محقق می شود که آدمی این گرایش های فطری را در درون خود زنده و بیدار کند و برای تحقق آن ها ممارست ورزد.

گرایش به فضایل اخلاقی، یکی از گرایش های فطری انسان است و فطرت اخلاقی، مقوم هستی او محسوب می شود. وجود گرایش فطری در انسان باعث می شود وجدان آدمی، او را به ملامت و سرزنش اعمال زشت وادارد. انسان به حکم اینکه دارای شرافت و کرامت ذاتی (همان جنبه ملکوتی و نفخه الهی)



است، ناآگاهانه آن کرامت را احساس می‌کند. بعد در میان کارها و ملکات هر کدام را که مناسب با آن جنبه بود، خیر و فضیلت و هر کدام را که مناسب نبود، ردیلت می‌داند. در قرآن کریم نیز از این حقیقت یاد شده است؛ آنجا که برای نفس انسان قابلیت الهام فجور و تقوا بیان شده است (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۲۰۵-۲۰۸).

دو) در ارتباط با خدا

الف. عبادت و بندگی

یکی از پایدارترین و قدیمی‌ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل‌ترین گرایش‌های آدمی، گرایش به عبادت و پرستش است. گرایش انسان به عبادت موجودی برتر به نام «خدا» بازتاب شناخت انسان از خداست. شناخت خدای یگانه به منزله کامل‌ترین ذات با کامل‌ترین صفات و منزله از هر گونه نقص و کاستی، و شناخت رابطه او با جهان که آفرینندگی، نگهداری و فیاضیت است، موجب گرایش به عبادت و بندگی خداوند می‌شود.

عبادت خداوند نوعی رابطه خاضعانه، ستایشگرانه و سپاسگزارانه است که انسان با خدای خود برقرار می‌کند. گرایش به عبادت، گرایشی معنا دار است که به زندگی انسان معنا و هدف می‌بخشد. انسان عابد نه تنها در اذکار و اقوالش حمد و ثنای الهی را به جا می‌آورد، بلکه در مقام عمل نیز تسلیم محض اوست؛ جز او، موجود دیگری شایسته پرستش و ستایش نیست (مطهری، ۱۳۸۷، الف، ج ۲: ص ۹۶).

ب. امیدورزی به خدا

امیدورزی به خدا، مؤلفه گرایشی دیگری برای معنویت طلبه محسوب می‌شود. برای آنکه طلبه در مقام عمل، موحد شود لازم است از هر چه غیر خداست منقطع و ناامید شود و فقط متوجه خدا گردد. بنابراین، مؤمن از ناحیه خداوند احساس آرامش و اطمینان قلبی می‌کند. بدیهی است انسان زمانی که به قدرتی برتر احساس اعتماد و



اطمینان داشته باشد، به او مهر و محبت پیدا می‌کند. بنابراین، در دل ایمان، مهرورزی و خدادوستی نهفته است.

مؤمن حقیقی، خدا را اصیل‌ترین و تنهاترین محبوب می‌داند و دل از محبت غیر او خالی می‌سازد. این بهترین ثمرهٔ محبت به حضرت دوست است.

انسان محب خداوند اولاً رذایل اخلاقی خود را شناسایی می‌کند و ثانیاً با توفیق و مدد الهی و با توجه به تأکیدها و سفارش‌های خداوند در قرآن کریم و روایات رسولانش، خود را از رذایل اخلاقی نجات داده، سعادت دنیا و عقبای خویش را تأمین می‌کند. این امر آن‌قدر مهم و اساسی و سرنوشت‌ساز است که رسول خدا ﷺ، هدف از بعثتش را اتمام مکارم اخلاق نامیده است. بهترین روش تهذیب نفس، دوستی پروردگار است که آدمی را از تمام رذایل می‌رهاند (جعفری دمساز، ۱۳۹۴).

ج. بازگشت به خداوند پس از گناه

توبه و بازگشت حقیقی به سمت خداوند نیز به خاطر دوستی و جلب محبت بیشتر خداوند صورت می‌گیرد. خداوند، توبه‌کنندگان حقیقی را محبوب درگاه خود خوانده است (بقره، ۲۲۲). امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وقتی بنده خالصانه توبه می‌کند، خدا هم او را دوست می‌دارد و عیوبش را در دنیا و آخرت می‌پوشاند» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۴: ص ۱۶۲).

هنگامی که مؤمن درک کند از خداوند دور شده است حالتی در او ایجاد می‌شود که قلبش ناراحت می‌گردد. احساس ناراحتی و ندامت درونی انسان، بهترین محرک برای عمل بعدی، یعنی تصمیم به ترک گناه است. توبه کار مانند کسی است که گویی تازه متولد شده و زندگی را از سر گرفته است؛ زیرا نه تنها گناهانش پاک شده، بلکه به حسنات تبدیل شده‌اند (فرقان، ۷۰).



سه) در ارتباط با خلق

الف) دیگر دوستی

همان طور که انسان با کسب معرفت خداوند به او گرایش می‌یابد و خدادوست می‌شود، به دیگران نیز چنین احساسی پیدا می‌کند. دوست داشتن خلق، متضمن احترام نهادن به ایشان است. اگر بخواهیم مورد احترام دیگران باشیم، باید حرمت اموری را نگه داریم. این امور در حیطه فضایل و رذایل اخلاقی تبیین می‌شوند. خداوند ضمن بیان کلیاتی درباره چگونگی احترام گذاشتن، موارد و مصادیق جزئی را نیز مطرح می‌کند تا انسان‌ها بیاموزند چگونه باید حرمت نگه دارند و احترام دیگران را به جا آورند و تکریم کنند؛ مواردی مانند تقدیم سلام و خوش‌رویی با دیگران، احسان و کمک به والدین، احترام گذاشتن به قوانین و شعائر الهی. در قرآن کریم آمده است کسانی که نزد خداوند خوار شدند، هیچ‌گونه احترامی ندارند؛ چراکه خود حرمت خود را نگه نداشتند و از کرامت الهی سود نبردند. پس، سزاوار بی‌حرمتی هستند (حج، ۱۸).

چهار) در ارتباط با خلقت

الف. طبیعت دوستی

خدادوستی نه تنها موجب گرایش انسان به دیگران و دوست داشتن آنان می‌شود، موجب می‌شود احساس انسان به طبیعت نیز تغییر کند و طبیعت را بدین دلیل که متصف به پروردگار است، دوست بدارد (توبه، ۱۱۶). ناتوانی انسان از دستیابی به اسرار شگفتی‌های خلقت موجب می‌شود احساس غرور و خودخواهی در او خاموش شود و در برابر طبیعت زیبای الهی، خاضع و خاشع گردد.

چنانچه بینش انسان به طبیعت آن باشد که طبیعت، مظهری از آیات الهی و ملک خداوند است، گرایش به آبادانی و محافظت از آن در او شکل می‌گیرد. از آنجا که طبق نص صریح قرآن، همه موجودات طبیعت، به ستایش و تسبیح خداوند



مشغول‌اند، انصاف نیست که انسان، حرمت این آیات الهی را بشکند و با تصرف و بی‌رویه در آن‌ها، ادامه حیات را از آنان بگیرد (اعراف، ۳۱).

۳) مؤلفه‌های کنشی

رفتار تراز دین و منطبق بر الگوی شخصیت مهذب و اخلاقی چیزی است که مسلمانان از روحانیون انتظار دارند و در واقع، طلاب و مبلغان را الگوی رفتاری خود به شمار می‌آورند. نمایاندن راه خدا و ارزش‌های الهی با عمل به مراتب بلیغ‌تر و زیباتر و اعتمادسازتر از تبیین به قول است؛ از این‌رو، حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيُرَوْا مِنْكُمْ أَلْوَرَعُ وَ الْأَجْتِهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ الْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ؛ با غیرزبان خویش مردم را (به مذهب خود) دعوت کنید. مردم باید ورع و کوشش و نماز و خیر شما را ببینند که این‌ها خود دعوت‌کننده‌اند» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ص ۷۸).

اهمیت کنش و عمل از آنجا به‌خوبی خود را هویدا می‌سازد که در قرآن کریم همواره تعبیر «الذین آمنوا» با عبارت «و عملوا الصالحات» هم‌نشین و تکمیل شده است. نکته مهم این است که اگر تقید و تعهد به عمل از همه مومنان خواسته شده، گاهی بی‌عملی یا کم‌عملی ایشان بخشوده شده است. همچنین، عمل ناقص یا ریایی از ایشان کمتر مستبعد و مذموم به شمار می‌رود؛ اما در قیاس باید گفت که نسبت نزدیکی و انس و انتساب طلاب و مبلغان به اولیای دین یعنی پیامبر و ائمه علیهم السلام ایشان را در جایگاهی قرار می‌دهد که چه بسا خطایی که اگر از دیگران سر بزند بخشوده شود، ولی اگر از ایشان سر بزند، نابخشودنی باشد. هم از این‌رو، امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب به نام «شقرانی» فرمود:

«إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ، وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا، وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ، وَهُوَ مِنْكَ أَقْبَحُ لِمَكَانِكَ مِنَّا؛ خوبی از همگان خوب است، اما از تو



خوب‌تر؛ به دلیل انتساب به ما و زشتی، از همگان زشت است، اما از تو زشت‌تر؛
به دلیل انتساب به ما» (ابن ابی‌الحدید، بی تا، ج ۱۸: ص ۲۰۵).

بدین ترتیب، لازم است طلاب علوم دینی برای آراستگی به فضایل اخلاقی و پیراستگی از رذایل اخلاقی و به تعبیر محوری در این نوشتار، برای نیل به سلامت اخلاقی، به اموری توجه داشته باشند که رنگ‌خدایی و صبغه الهی به کارهایشان می‌زند و جهت‌گیری کلی وجودی و سبک رفتاری ایشان را الهی می‌کند تا در ادای وظایف و واجبات صنفی خود، اخلاق صنفی را به‌طور تضمینی و پایدار رعایت کنند. در واقع، جان سخن این است که آنچه این وظیفه‌خاطر را ممکن می‌سازد و تسهیل و حمایت می‌کند، پشتوانه عظیم معنویت توحیدی است که در ادامه به شاخص‌های رفتاری آن اشاره می‌کنیم.

یک) در ارتباط با خود

الف. حسابرسی از خویشتن

انسان معنوی همیشه در صدد شناخت خود است (مائده، ۱۰۵) و به جهاد با نفس می‌پردازد؛ چنان‌که پیامبر فرمود: دشمن‌ترین دشمن تو، نفس توست که در میان دو پهلوی تو قرار دارد (ورام، ۱۳۷۶، ج ۱: ص ۲۵۹). از این رو، خداوند از همه مؤمنان خواسته که مراقب خودشان باشند (تحریم، ۶). طلبه‌ای که در مسیر سالم‌سازی اخلاق حرکت می‌کند، لازم است همواره مراقب نفس خود باشد و بکوشد با مشارطه، مراقبه و محاسبه، نفس خود را مهار و در راستای هدف واحد یعنی توحید هدایت کند.

می‌توان گفت دلیل اهمیت و ارزشمندی محاسبه نفس، حفظ عزت نفس و کرامت انسان است. عزت نفس در معنویت اسلامی، بدین معناست که انسان، نفس خود را به منزله شیئی نفیس بشناسد و فضایل اخلاقی را اشیای متناسب با این شیء بدانند و رذایل را اشیای نامتناسب با آن شیء در نظر بگیرد که آن شیء نفیس را از ارزش می‌اندازند (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۳۰-۱۵۳).



ب. تزکیه نفس به طور عملی

بعد از انجام عمل محاسبه و حساب کشی از نفس خود، لازم است انسان وارد وادی عمل شود و به طور عملی به تزکیه نفس پردازد. با این حال، گاهی موانعی در مسیر تزکیه عملی نفس برای طلبه علوم دینی پیش می آید. در قرآن، عهدشکنی (آل عمران، ۷۷)، روی گرداندن از دین و ایمان (مائده، ۴۱)، تکبر و بخل (نساء، ۴۹)، کشتن انسان، شراب خواری، شرک و کفر به عنوان موانع تزکیه نفس معرفی شده اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ص ۳۳۰). همچنین، در بعضی از احادیث، شیطان، هوای نفس، وابستگی به دنیا، دور شدن از خدا، گناه و ضعف اراده از موانع تزکیه نفس برشمرده شده اند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۷: ص ۲۱۰).

دو) در ارتباط با خدا

الف. شکرگزاری قولی و عملی

به تعبیر قرآن کریم، انسان‌ها در انتخاب مسیر هدایت الهی دو دسته‌اند: انسان‌های قدرشناس و انسان‌های ناسپاس (انسان، ۳). دسته اول، قدردان نعمات خداوند می‌شوند و از نعمات او بهترین استفاده را برای رشد خود و جامعه و رسیدن به کمال مطلوب خداوند می‌کنند و دسته دوم با کفران نعمت، طریق گمراهی را در پیش گرفته و خود و جماعتی را به ورطه نابودی می‌کشند. بنابراین، شکرگزاری با نعمات الهی ارتباط دارد؛ به این معنا که فرد شاکر در مسیر هدایت الهی قرار دارد و فرد کفور از مسیر هدایت دور شده است. در آیاتی از قرآن (بقره، ۱۵۲) شکر در برابر کفر آمده است؛ زیرا از معانی کفر، پوشانیدن است و گویی کافر بر نعمت‌های الهی پرده می‌کشد و مؤمن با شکرگزاری، از آن‌ها پرده برمی‌دارد و به آن‌ها اعتراف می‌کند. بنابراین، بهترین راه شکرگزاری، اظهار کردن این شکر است.





ب. توحید عملی

توحید عملی، مؤلفه کنشی دیگری برای معنویت محسوب می‌شود که ارتباط مستقیمی با اخلاق دارد و انسان را به سلامت اخلاقی نزدیک‌تر می‌کند. انسان موحدی که در مکتب اعتقادی اسلام رشد یافته است، نه تنها به جلوه‌ی ظاهری توحید یعنی عبادات و مناسک دینی پایبند است، بلکه به لوازم آن، یعنی توحید عملی نیز پایبند است. چنین فردی فقط از خدا طلب کمک می‌کند، چشمداشتی از غیر ندارد، اعمال خود را با نیت خالص و به قصد قربت الی الله انجام می‌دهد و تنها بر خداوند توکل می‌کند (حمد، ۴).

معنویت‌گرایان به موجودی برتر، خردی برتر و قدرتی برتر ایمان دارند که تدبیر زندگی آنان را در دست دارد و به زندگی آنان معنا و هدف می‌بخشد. از این مفهوم، با عنوان «توحید در ربوبیت» یاد شده است. آن‌ها کسانی هستند که دل‌هایشان تنها با یاد خدا آرام و اطمینان می‌گیرد، در شکست‌های خود حکمت و مصلحتی می‌بینند، که در راستای ارتقا و رشد آنان مقدر شده است، پدیده‌های دنیا را زیبا می‌بینند، خود را آن‌گونه که هستند می‌پذیرند، به معجزه‌ی خدا باور دارند، ترس و خشوع را با عبودیت پیوند زده‌اند و گفتار و کردارشان رنگ‌وبوی الهی دارد؛ چراکه خود را از خدا و بازگشت خود را به سوی او می‌دانند. بنابراین، انجام اعمال عبادی و مناسک دینی، یکی از راه‌های ارتقای سلامت معنوی و خودسازی اخلاقی است.

سه) در ارتباط با خلق

الف. اخلاص در تعامل با دیگران

انسانی که تمام اعمال و سلوک و عبادات خود را در راستای خشنودی خداوند و رسیدن به او تنظیم می‌کند در تعامل با دیگران نیز رضایت الهی را در نظر می‌گیرد و اخلاص پیشه می‌کند. شرط پذیرش هر عملی، از جمله خدمت به مردم، اخلاص است و طلبه علوم دینی باید با انگیزه‌ی جلب رضایت الهی، خدمتگزار عیال‌الله باشد.

هرچه ناخالصی در عمل وی بیشتر باشد، درجه مطلوبیت آن پایین تر خواهد آمد. علاوه بر دخالت اخلاص در اصل عمل (نهج البلاغه، ص ۱۱۳۱)، اخلاص باید در تداوم اعمال نیز جاری باشد. چه بسا عملی که انجام آن با خلوص است، ولی بعد از عمل، عامل آن را به ریا و ناخالصی آلوده و از درجه مقبولیت الهی ساقط می کند؛ از این رو، امام جواد علیه السلام فرمود:

«بقای بر عمل سخت تر از خود عمل است» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ص ۲۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷: ص ۲۳۳). و آنگاه که پرسیدند بقای بر عمل یعنی چه؟ فرمود: «مردی هدیه ای می دهد و برای خدای یگانه بی شریک انفاقی می کند. پس، برایش به عنوان "عمل پنهانی" نوشته می شود. سپس، او کارش را یادآوری می کند. در این وقت، عنوان قبلی محو می شود و "عمل آشکار" برایش نوشته می شود. آن مرد دوباره عملش را یادآوری می کند. پس، عنوان قبلی محو می شود و برایش "عمل ریایی" نوشته می شود» (همان جا).

ب. عفو و بخشایش

یکی دیگر از شاخص های کنشی معنویت، عفو و بخشایش است. بخشایش، فرآیند گذشتن از خطا و ازین بردن پیامدهای ناخوشایند آن است که با انگیزه آرامش درونی خویش، بهبود روابط با فرد خطاکار یا به منظور انجام یک رفتار ارزشی صورت می گیرد. بخشایش گری، یک اقدام مهربانانه در حق کسی است که ما را رنجانده و ما سعی می کنیم به او دل سوزی، خیراندیشی و عشق نشان دهیم. این هدیه ای است که به آن فرد می دهیم، با این هدف که ارتباط بین ما و کسانی که به ما بدی روا می دارند یا آسیب می زنند، تغییر پیدا کند.

در بعضی از آیات، با الگو قرار دادن اینکه خداوند بندگانش را می بخشد، مؤمنان به این روش خوانده شده اند؛ یعنی خدا از مسلمانان می خواهد که آنان نیز مانند خالق خود، افراد خاطی را ببخشند و از اشتباهات آنان درگذرند (نور، ۲۲). در

منابع اسلامی، عفو نه تنها یکی از بارزترین صفات خداوند است، بلکه می تواند عامل ایجاد تقوا، عزت یافتن در برابر خداوند باشد و حس انتقام جویی را که خود منشأ بسیاری از بدی ها محسوب می شود کاهش دهد (خجسته کاشانی و بخشی محبی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۹).

طلبة علوم دینی در جایگاه مربی دینی و معنوی جامعه باید خود مقدم بر دیگران به صفت عفو و بخشایش گری متصف باشد و موجبات رضایت و رحمت الهی و کسب محبوبیت و امنیت و عزتمندی در میان مردم را فراهم کند. به فرموده قرآن کریم، اگر پیامبر اسلام ﷺ چنین صفتی را نداشتند، مردم از اطراف ایشان پراکنده می شدند (آل عمران، ۱۵۹).

یکی دیگر از آثار مثبت عفو، ایجاد و تقویت پیوندهای برادری و محبت در جامعه است. بدیهی است در جامعه ای که رشته پیوندها و اتحاد از هم گسسته شده است، مردم ارتباط با خودشان را نیز نمی توانند سامان دهی کنند و کسی که نتواند رابطه اش را با خودش اصلاح کند، دچار آسیب های معنوی فراوانی می شود.

چهار) در ارتباط با خلقت

الف. رفتار تکریم آمیز با طبیعت

یکی از گونه های رفتاری صحیح و توحیدی با طبیعت، رفتار تکریم آمیز با گونه های زیستی آن است. این شاخص، فرد را ملزم می کند حیوانات را به حکم اینکه بخشی از طبیعت الهی هستند، تکریم کند؛ به این صورت که هنگام بارکشی، پیش از توانشان از آنان استفاده نمی کند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸: ص ۲۵۸)، آنان را آزار نمی دهد و به آنان مهر می ورزد (حر عاملی، ۱۳۸۹، ج ۸: ص ۳۵۳) و اگر غذایی می خورد، باقی مانده آن را برای حیوانات و پرندگان می ریزد (عطاردی، ۱۳۹۱، ج ۱: ص ۳۴۹).



راه سپاس‌گزاری از طبیعت، استفاده صحیح از مواهب آن برای دستیابی به کمال انسانی است. خداوند در آیات ۳۲ تا ۳۴ سوره ابراهیم، پس از بیان مواهب طبیعت برای انسان، به صفت ناسپاسی انسان اشاره می‌کند. امروزه نقش انسان و سهم وی به منزله مهم‌ترین عامل تخریب محیط‌زیست رو به گسترش است. قرآن کریم نیز از ناسپاسی انسان در قبال محیط‌زیست خبر می‌دهد (روم، ۴۱).

این آیه نشان می‌دهد بحران محیط‌زیست ناشی از بحران اندیشه و اخلاق در جوامع و فاصله گرفتن از مسیر توحید است. سپاس‌گزار نبودن در قبال طبیعت (به‌خاطر بهره‌مند کردن انسان از مواهب بی‌کرانش) موجب می‌شود انسان هرگونه تصرفی را در آن مجاز بداند. یکی از نشانه‌های ناسپاسی انسان از طبیعت، اسراف است (انعام، ۱۴۱).

ب. رفتار متعهدانه با طبیعت

مسئولیت‌پذیر نبودن انسان در قبال محیط اطراف، از جمله درختان و گیاهان و حیوانات، موجب می‌شود هرگونه تصرفی را در آن جایز بشمارد. نکته دیگر آن است که مالکیت حقیقی طبیعت از آن خداوند است و مالکیت بشر، از نوع قراردادی و باواسطه است. تمام ابنای بشر در بهره‌مندی از مواهب طبیعت، مشترک‌اند. بنابراین، زیننده و عادلانه نیست که برخی با تصرفات نادرست و بیش از نیاز خود، این حق را از دیگران ساقط کنند. بنابراین، انسان در قبال طبیعت، هم دارای حق است و هم دارای از تکلیف.

در سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام از شیوه‌های صحیح تعامل با محیط‌زیست، حیوانات، گیاهان و جمادات و آداب و احکام بهره‌برداری از آنها سخن به میان آمده است. حضرت علی علیه‌السلام در خطبه‌ای که در آغاز خلافتش ایراد کرد، مسئولیت و حقوق مسلمانان را در قبال طبیعت یادآوری فرمود:



«اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبُهَائِمِ، أَطِيعُوا اللَّهَ وَلَا تَعْصُوهُ؛ دَرَبَارَةُ بِنْدِ گَان و بِلَاد و شَهْرَهَا از خَدَاوَنَد بَتْرَسِيد [مَبَادَا بَر كَسِي سَتَم كَنِيد و بَه ویرانی و تَبَاهِي زَمِين دَر بِلَاد و شَهْرَهَا اَقْدَام كَنِيد]. هَمَّةُ شَمَا مَسْئُولِيد و بَاذْخَوَاسْت مِي شَوِيد؛ حَتَّى دَرَبَارَةُ زَمِينَهَا و چَهَارپَايَان [كَه بَه چَه دَلِيل مَزَارِع و جَنگَلَهَا رَا از بِين بَر دِيد، شَهْرَهَا و خَانَهَهَا رَا ویران كَر دِيد و حَيَوَانَات رَا آزار دَا دِيد]» (نَهجِ الْبَلَاغَةِ، خَطْبَةُ ۱۶۶).



نتیجه‌گیری

منش اخلاقی و سلوک معنوی برای هر مسلمانی ضروری است، اما برای روحانیون و طلاب علوم دینی، بخشی از هویت و موجودیت آنان به شمار می‌آید و پیوندی ناگسسته با جایگاه و نقش صنفی ایشان دارد. نهادینه‌سازی مؤلفه‌های معنویت در طلاب می‌تواند به بروز فعل اخلاقی منجر شود و سلامت اخلاقی آن‌ها را تضمین کند. این نوشتار کوشید تأثیر معنویت بر سلامت اخلاقی مبلغان و طلاب را در سه بعد بینشی، گرایشی و کنشی، بر اساس روابط چهارگانه انسان در نظام معنابخشی به زندگی تبیین کند.

بر این اساس، مؤلفه‌های بینشی معنویت در ارتباط با سلامت اخلاقی طلاب و داعیان الی الله عبارت‌اند از: خودآگاهی معنوی، خودشناسی و خودسازی، باورتوحیدی، شناخت جایگاه و ارزش خانواده و دوستان و شناخت ارزش طبیعت. در بعد گرایشی به خود دوستی، گرایش به فضایل و رذایل، عبادت‌گرایی، امیدورزی و مهرورزی به خدا، گرایش به توبه، دیگر دوستی و طبیعت دوستی اشاره شد. مؤلفه‌های کنشی عبارت‌اند از: تزکیه عملی نفس، شکرگزاری قولی و فعلی، توحید عملی، توجه به اخلاص در تعامل با دیگران، عفو و بخشایش و رفتار تکریم‌آمیز و سپاس‌گزارانه و مسئولانه با طبیعت.





کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید (بی تا)، شرح نهج البلاغه، قم: نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴. ابن بابویه، علی بن حسین (صدوق) (۱۳۹۴)، التوحید، تصحیح خلیل الله مسائلی، اصفهان: نشر دیجیتال مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
۵. احمدی فراز، مهدی (۱۳۹۵)، بیماری و بیداری (مجموعه کتب مراقبت معنوی)، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی.
۶. انصاری، غلامحسین (۱۳۹۰)، آیین دوستی، تهران: امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۱)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه مصطفی درایتی، تهران: نشر الجواد.
۸. جعفری دمساز، جلیل (۱۳۹۴)، نقش محبت به خدا در هدایت انسان، پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، دانشکده اصول دین.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۹)، وسائل الشیعة، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: اسلامیه.
۱۰. خجسته کاشانی، امیر و محمد بخشی مجبسی (۱۳۹۷)، «جایگاه عفو در دین اسلام و رابطه آن با سلامت روان»، رویش روان شناسی، سال ۷، ش ۹، ص ۲۱۳-۲۲۸.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغت نامه، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن، تصحیح داوودی، صفوان عدنان، بیروت: دار الشامیه.



۱۳. صالحی ساداتی، زهرا، مرجان فیاضی و فاطمه پریشان (۱۳۹۸)، «نقش ارزش‌های اخلاقی در رشد معنویت سازمانی و پیامدهای رفتاری کارکنان»، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، سال ۱۴، ش ۱، ص ۸۹-۹۵.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
۱۶. عطاردی، شیخ عزیزالله (۱۳۹۱)، *مسند الرضا علیه السلام*، بی‌جا: نشر عطارد.
۱۷. کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، *اصول کافی*، ج ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة*، تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ الف)، *مجموعه آثار (جهان‌بینی توحیدی)*، تهران: صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ ب)، *نقدی بر مارکسیسم*، تهران: صدرا.
۲۱. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۲. ورام، مسعود بن عیسی (۱۳۷۶)، *تنبيه الخواطر ونزهة النواظر (مجموعه ورام)*، تهران: انتشارات علی اصغر حامد.
23. Cavanagh, G. (1999), "Spirituality for managers: context and critique", *Journal of organizational change management*, 12(3), p. 53-165.
24. Hinnells, R. (1995), *A New Dictionary of Religions*, Oxford: Blackwell.

25. Mc Knight, R. (1984), "Spirituality in the Workplace", in Adams, J. D. (ed.), *Transforming Work*, Alexandria, VA: Milles River Press.
26. Myers, J. E. (1990), "Wellness throughout the lifespan", *Guidepost*, 23, 11.
27. Rodriguez-Rad, C. J. & Ramos Hidalgo, E. (2017), "Spirituality, consumer ethics, and sustainability: The mediating role of moral identity", *Journal of consumer marketing*, 35(2).
28. Underhill, Evelyn. (1937), *The Spiritual Life: Great Spiritual Truths for Everyday Life*, Oxford: Oneworld.

References

1. *Holy Quran*.
2. *Nahj al-Balaghah*.
3. Ahmadi Faraz, Mehdi (2016), *Illness and Awakening (Collection of Books on Spiritual Care)*, Isfahan: University of Medical Sciences.
4. Ansari, Gholam Hossein (2011), *Religion of friendship*, Tehran: Amirkabir Publishing Institute, International Publishing Company.
5. Atarodi, Sheikh Azizullah (2012), *Masnad al-Reza*, no place, Atarod Publishing.
6. Cavanagh, G. (1999), "Spirituality for managers: context and critique", *Journal of organizational change management*, 12(3), p. 53-165.
7. Dehkhoda, Ali Akbar (1993), *Dictionary*, Tehran: Tehran University Publishing.
8. Hinnells, R. (1995), *A New Dictionary of Religions*, Oxford: Blackwell.
9. Horr 'amli, Mohammad Ibn Hassan (1989), *Wasa'il al-Shi'ah*, research by Abdul Rahim Rabbani Shirazi, Tehran: Islamia.
10. Ibn Abi al-Hadid (n.d), *Sharh Nahj al-Balaghah*, Qom: library of Ayatollah Marashi Najafi Publications.
11. Ibn Babavieh, Ali Ibn Hussein (Saduq) (2015), *al-Tawhid*, Edited by Khalilullah Masa'eli, Isfahan: Digital Publishing, Ghaemieh Computer Research Center.
12. Jafari Damsaz, Jalil (2015), *The role of love for God in guiding human beings*, Master Thesis, Qom University, Faculty of Religious Principles.
13. Khojasteh Kashani, Amir and Mohammad Bakhshi Mohebbi (2018), "The place of amnesty in Islam and its relationship with mental health", *Psychological development*, seventh year, No. 9, p. 213-228.
14. Koleini Razi, Mohammad Ibn Ya'qub (2009), *Usul Kafi*, third edition, Tehran: Islamic Library.
15. Majlisi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taqi (1403 AH), *Behar al-Anvar*, edited by a collective of scholars, Beirut: Dar al-Ehya al-Torath al-Arabi.
16. Mc Knight, R. (1984), "Spirituality in the Workplace", in *Adams, J. D. (ed.), Transforming Work*, Alexandria, VA: Milles River Press.
17. Motahari, Morteza, (2008A), *Collection of Works (Monotheistic Worldview)*, Tehran: Sadra.
18. Motahari, Morteza, (2008B), *A Critique of Marxism*, Tehran: Sadra.
19. Myers, J. E. (1990). Wellness throughout the lifespan. *Guidepost*, 23, 11.
20. Nouri Tabarsi, Mirza Hussein (1408 AH), *Mustadrak al-Wasa'el*, Qom: Al al-Bayt Institute.
21. Ragheb Isfahani (1412 AH), *Dictionary of the Words of the Qur'an*, corrected by Davoodi, Safwan Adnan, Beirut: Dar al-Shamiya.
22. Rodriguez-Rad, C. J. & Ramos Hidalgo, E. (2017), "Spirituality, consumer ethics, and sustainability: The mediating role of moral identity", *Journal of consumer marketing*, 35(2).
23. Salehi Sadati, Zahra, Marjan Fayazi, and Fatemeh Parishan (2019), "The Role of Ethical Values in the Development of Organizational Spirituality and Behavioral Consequences of Employees", *Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology*, Fourteenth Year, No. 1, p. 89-95.
24. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1408 AH), *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
25. Tabatabai, Mohammad Hossein (2011), *Tafsir al-Mizan*, translated by Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom.
26. Tamimi Amedi, Abdul Wahed bin Mohammad (2002), *Tasnif Ghorar al-Hekam wa Dorar al-Kalem*, translated by Mustafa Drayati, Tehran: al-Jawad Publishing.
27. Underhill, Evelyn. (1937), *The Spiritual Life: Great Spiritual Truths for Everyday Life*, Oxford: Oneworld.
28. Varam, Massoud Ibn Isa, (1997), *Tanbih al-Khawatir and Nozhat al-Nawazir (Varam Collection)*, Tehran: Ali Asghar Hamed Publications.